

عباس عاشوری نژاد
عضو هیأت علمی گروه تاریخ
دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر
Abbas@Ashoorinejad.com

بررسی علل تأسیس نمایندگی سیاسی امپراطوری عثمانی در بوشهر*

چکیده:

امپراطوری عثمانی پس از دولت‌های بزرگ انگلیس و هلند، سومین دولت بزرگ جهانی بود که نمایندگی سیاسی خود را در بندر بوشهر با عنوان «شهبندری» در سال 1871 م / 1288 ق تأسیس کرد. این امر نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده بندر بوشهر و خلیج فارس در مناسبات جهانی و منطقه‌ای در نیمه دوم قرن نوزدهم و در آستانه قرن بیستم میلادی می‌باشد. عثمانی‌ها به چند دلیل مهم، نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کردند، اول اینکه بندر بوشهر در کنار خلیج فارس نقش بسیار مهمی در سیاست و تجارت بین‌المللی و ترانزیت کالا به پس‌کرانه‌های ایران یعنی هندوستان و شبه‌جزیره عربستان دارد. دوم این که انگلیسی‌ها به عنوان یکی از مهمترین رقبای جهانی عثمانی، نفوذ فوق‌العاده‌ای بر جنوب ایران، بوشهر و خلیج فارس داشتند. بنابراین حضور عثمانی‌ها در این منطقه علی‌القاعده به محدودیت قدرت رقیب دیرینه منجر می‌شد. ثالثاً احساسات ضد انگلیسی مردم جنوب ایران به‌خصوص در بوشهر به قدری فراوان بود که عثمانی‌های متحد آلمان عملاً می‌توانستند از این احساسات در جهت شورش مردم علیه انگلیسی‌ها در آستانه جنگ جهانی اول استفاده کنند.

کلید واژه‌ها : ایران، عثمانی، انگلیس، آلمان، بوشهر، خلیج فارس، شهبندری، قاجاریه.

بندر بوشهر در جنوب غربی ایران و در کرانه‌های شمالی خلیج فارس قرار دارد. این شهر در روزگاران کهن منطقه‌ای آباد و یکی از مراکز مهم امپراطوری ایلام به شمار می‌رفت.¹ اهمیت و اعتبار این مرکز مدنی که در واقع دروازه مهم تمدن جنوب ایران نیز به شمار می‌رفت² به واسطه همجواری با خلیج فارس، در گذر زمان، نوسانات زیادی داشته است، تا اینکه اهمیت این شهر در دوران زندیه، افشاریه و به‌خصوص قاجاریه به اوج خود رسید. حضور کنسولگری‌های دولت‌های معظم زمانه همچون هلند، فرانسه، پرتغال، عثمانی، روسیه، آلمان، سوئد، ایتالیا، نروژ و حتی در دوران نزدیکتر، آمریکا گواه این مدعاست.³

از جمله این قدرت‌های بزرگ، امپراطوری عثمانی بود که در دورانی طولانی، یعنی 642 سال (699 تا 1341 ه. ق.) بر قسمت‌های وسیعی از اروپا، آفریقا و آسیا سیادت داشت. عثمانی‌ها در اجرای ماده هفتم قرارداد دوّم ارزروم (1263 ق / 1847 م) که بر ایجاد نمایندگی دو کشور در شهرهای یکدیگر تصریح شده بود⁴، در اندیشه حضور قدرتمندانه در مناطق مهم ایران بودند. این اندیشه نهایتاً در جنوب ایران در نیمه دوّم قرن نوزدهم میلادی / نیمه دوم قرن سیزدهم قمری به مرحله اجرا در آمد و آنان توانستند دفتر سیاسی خود را در سال 1288 ق / 1871م در بوشهر با عنوان «شهرداری» تأسیس کنند.

اهمیت بندر بوشهر در ترانزیت کالا به پس‌کرانه‌های ایران

بوشهر از قدیم‌الایام نقش بسیار مهمی در سیاست و تجارت بین‌الملل و ترانزیت کالا به پس‌کرانه‌های ایران یعنی هندوستان و شبه‌جزیره عربستان داشت. موقعیت بندری این شهر و همجواری با آبراهه خلیج فارس علت اصلی اهمیت بوشهر می‌باشد. در این میان موقعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس که در طی تاریخ، شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد، وجود جزایر مهمی چون تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، و بنادر

متعدد و تنگه هرمز از مهمترین دلایل اهمیت خلیج فارس و بندر همجوار آن در عرصه سیاست و تجارت جهانی بوده است.⁵

در واقع اهمیت بیش از پیش بندر بوشهر مدیون نادرشاه افشار می‌باشد که این شهر را به عنوان یکی از مهمترین مراکز و پایگاههای دریایی و تأسیس تعمیرگاه کشتی درآورد.⁶

این روند با افول بندر عباس که تا آن زمان از بنادر مهم ایران محسوب می‌شد و انتقال دفتر شرکت هندشرقی به سال 1763 م به بوشهر از جمله عواملی بود که موجب شکوفایی و رونق بوشهر گردید. اگر چه، بعدها اغتشاشات و ناآرامی‌هایی که در پایان حکومت زندیه به وجود آمد بر تجارت و فعالیت‌های بازرگانی این بندر صدمات فراوان وارد کرد، اما در دهه پایانی قرن 18 م فعالیت‌های بازرگانی و بازار و تجارت بوشهر دوباره احیا گردید و به شکوفایی رسید.

در باره اهمیت تجارت فوق‌العاده بندر بوشهر به پس‌کرانه‌های ایران در اواخر قرن هجدهم آمده است:

«تجارت بوشهر بیشتر با کشور هند صورت می‌گرفت و روابط تجاری بوشهر با بصره چندان حائز اهمیت نبود، با این همه در زمینه قاچاق کالا به عراق عثمانی به وفور از امکانات بندری بوشهر استفاده می‌شد. به علت تنش‌های حاکم بر جو سیاسی بحرین، روابط تجاری با کرانه‌های جنوب خلیج فارس برای تجار بوشهر، نامنظم و غیرمستمر بود. واردات بوشهر از هند عموماً همان کالاهایی بود که تجار سایر بنادر خلیج فارس از آن کشور وارد می‌کردند. ارزش سالیانه کالاهای وارداتی بوشهر حدوداً 20 لک روپیه - تقریباً 200000 پوند - بود. کالاهایی که تجار ایرانی و غیر ایرانی از طریق بوشهر به خارج صادر می‌کردند عبارت بود از: دارو، اسب، مس، خشکبار، قالی، گلاب و شراب محصول شیراز. مهمترین کالاهایی که صادرات دارویی را تشکیل می‌داد، تریاک بود که این محصول اغلب در یزد و اصفهان کشت و برداشت می‌شد هر چند مرغوبترین نوع و با کیفیت عالی،

تریاک محصول کازرون واقع در غرب شیراز مطمح نظر خریداران بود. این محصول در ماه مه و یا ژوئن برداشت می‌شد و در بین ماههای سپتامبر و ژانویه به سایر سرزمین‌ها ارسال می‌گردید. لوله تفنگ، شمشیر و سرنیزه ساخت شیراز در سرتاسر بازارهای خلیج فارس به فروش می‌رسید. مروارید صید شده در سواحل ایران به خصوص مروارید خارگ و خارگو در زمره اقلام عمده صادرات بود.

ارزش سالیانه کالاهای صادراتی بوشهر بالغ بر یک سوم ارزش واردات بود - یعنی حدود 9/5 لک روپیه تقریباً 95000 پوند - که کسری موازنه تجارت با پول مسکوک جبران می‌گردید.⁷

تدبیر حاکم بوشهر در ایجاد تسهیلات گمرکی از عوامل بسیار مؤثر توسعه صادرات بندر بوشهر بود چنانکه:

«... دریافت عوارض منوط به تعرفه‌هایی بود که شیخ بوشهر خود وضع و آن را به اجرا در می‌آورد. دریافت عوارض گمرکی بر اساس ارزش کالا وصول نمی‌گردید بلکه تجار عوارض گمرکی را بر پایه کیفیت و ویژگی و مقدار کالاهایشان می‌پرداختند: عوارض گمرکی برای اقلام صادراتی ناچیز و جزئی بود و تنها مرکبات، گلاب و دارو مشمول مقررات پرداخت عوارض گمرکی می‌شد.

فعالیت‌های تجارتهای در هیچ یک از بنادر خلیج فارس را نمی‌شد با تجارت شکوفایی که در بوشهر دارا بود مقایسه کرد. اهالی بنادر کنگان، عسلو، نخیلو، چیرو و چارک از طریق صید ماهی و مروارید و تا حدودی از طریق داد و ستد کالا به مقدار کم با سایر بنادر خلیج فارس امرار معاش می‌کردند. در بندر لنگه چون قواسم نسبتاً پردل و جرأت بودند به بنادر جنوب مسقط و حتی بمبئی مسافرت‌های دریایی می‌کردند.⁸

اهمیت این منطقه، به خصوص، با تشکیل امپراطوری هندوستان ابعاد مهمتری پیدا کرد. با ظهور امپراطوری هندوستان، خلیج فارس از یک مرکز تجاری به یک قرارگاه نظامی برای حفظ هندوستان تغییر یافت. چارلز بلگریو، نماینده سیاسی بریتانیا در بحرین در خاطراتش آورده است:

«با گذشت زمان، خلیج فارس به طور روزافزونی به عنوان مرز شرقی هندوستان تلقی می‌شد و به علت عدم ثبات ایران و عثمانی ما بتدریج مسئولیت تجارت، نوررسانی، نصب راهنماهای شناور و اداره پست و تلگراف و ... را بر عهده گرفتیم و همواره مراقب بودیم تا مبادا دیگری در قلمرو ما دست به این کار بزند.»⁹

بنابراین، اهمیت سوق‌الجیشی خلیج فارس، اولین عاملی بود که باعث توجه و تجاوز استعمارگران به این منطقه گردید. بریتانیا از این منطقه به عنوان کمربند ایمنی و راه ارتباطی سریع به هندوستان بهره می‌گرفت. در این زمان خلیج فارس، تنها اهمیت نظامی و استراتژیک در فتح جنوب و شرق آسیا برخوردار نبود بلکه بازاری برای رونق اقتصاد اروپا محسوب می‌شد. به طوری که ناوگانی که از غرب می‌آمد در عرشه خود نمایندگان اقتصادی را به همراه داشت.¹⁰

اهمیت پس‌کرانه‌های ایران برای عثمانی با توجه به آنچه گذشت، قابل توجه است که امپراطوری عثمانی به دنبال اندیشه ولایت بر جهان اسلام همواره خود را متولی سیاسی - مذهبی اماکن مقدس عربستان می‌دانست.

«... حضور عثمانی‌ها در کرانه خلیج فارس زمانی بود که دولت سعودی در سرزمین نجد ادعای حاکمیت بر مناطقی واقع در کرانه‌های عربستان می‌کرد که این ادعای نجد موجب گشت تا در خلال قرن 19 میلادی نخست سر و کله مصریها و آنگاه عثمانی‌ها در خلیج فارس پیدا شده و ادعای اعمال حاکمیت کنند. ادعای حاکمیت عثمانی‌ها، منطقه‌ای را در رأس خلیج فارس از طریق بصره در بر می‌گرفت که از آنجا در زنجیره باریکی از بغداد تا استانبول گسترده می‌گشت...»¹¹

عثمانی‌ها قبل از این تاریخ، در اوایل قرن 16 میلادی نیز موفق شده بودند تا از نفوذ دولت استعماری پرتغال به حجاز جلوگیری کنند. چرا که این قدرت استعماری در ادامه طرح‌های صلیبی خود با قساوت و خشونت کوشیده بود که در پی ورود به دریای سرخ، گذشتن از حجاز و تصرف ساحل جدّه و سپس حمله به مکه و از بین بردن مسجدالحرام و کعبه به سوی مدینه رفته، قبر پیامبر (ص) را بشکافند و آن‌گاه به سوی شمال بروند و با گذشتن از تبوک به بیت‌المقدس رفته آن‌جا را تصرف کنند و بدین ترتیب سه مسجد مهم را در اختیار بگیرند.¹² علاوه بر این، عثمانی‌ها نه تنها داعیه‌دار ولایت بر دنیای عرب‌زبان از الجزایر تا خلیج فارس بودند بلکه به دنبال سلطه بر خلیج فارس و کشورهای غیرعرب هم‌جوار آن نیز بودند و این داعیه‌داری تا اقیانوس هند نیز ادامه می‌یافت. اگر چه آنها عملاً نتوانستند دست استعمارگران بزرگ زمانه را - پرتغال در ابتدا و انگلیس در انتها - بر خلیج فارس کوتاه کنند.¹³

حال، با توجه به این سوابق تاریخی، شاید عثمانی‌ها می‌پنداشتند که با استقرار در بندر بوشهر، اولاً می‌توانند به توسعه نفوذ سیاسی - تجاری خود بر خلیج فارس پردازند،

در ثانی از این طریق همچنان به تسلط سیاسی - تجاری و مذهبی خویش بر شبه جزیره عربستان و عراق ادامه دهند و شاید هم بتوانند از این راه، گامی مؤثر به سوی تجارت با هند بردارند.

اهمیت بندر بوشهر برای تجار عثمانی از عوامل دیگر توجه عثمانی‌ها به بوشهر در نیمه دوم قرن نوزدهم، اهمیت تجاری فوق‌العاده این شهر بود، چرا که بندر بوشهر در دوره قاجاریه معتبرترین بندر تجاری ایران به حساب می‌آید تا آنجا که لرد کرزن، نایب‌السلطنه هندوستان، در این باره نوشته است:

«بوشهر مبدأ جاده‌های عمده در ایران می‌باشد [که] خلیج فارس را از طریق شیراز، اصفهان، کاشان، قم به تهران متصل می‌کند.»¹⁴

برقراری امنیت در سراسر ایران، همگام با امنیت روزافزون خلیج فارس، زمینه‌ساز رشد تجارت شد.¹⁵ در این زمان بازارهای شیراز و اصفهان با ورود کالا از راه بوشهر رو به رشد و رونق نهاده بودند.¹⁶

همزمان با رشد تجارت در ایران، در امپراطوری عثمانی نیز بورژوازی تجاری روز به روز در حال پیشرفت بود.

«در سال‌های 70 - 60 [قرن 19 میلادی] پا به پای فزونی گرفتن رغبت و تقاضا برای موارد اولیه کشاورزی در میان زمین‌داران بزرگ، گرایش به تولید کالا برای تجارت بیش‌تر شد و این زمین‌داران خواه ناخواه به مدار تجارت کشیده شدند...»¹⁷

بنابراین امپراطوری عثمانی، عملاً نمی‌توانست نسبت به تجارت با ایران و از طریق ایران بی‌توجه بماند. این توجه علی‌القاعده باید عمدتاً معطوف به بوشهر و خلیج فارس می‌گشت که مبدأ جاده‌های عمده ایران به حساب می‌آمد. برخی از اسناد موجود، نشان‌دهنده این ارتباطات تجاری است.

اهمیت سیاسی بوشهر برای امپراطوری عثمانی علاوه بر اهمیت تجاری بندر بوشهر، این شهر در ربع آخر قرن نوزدهم و آستانه قرن بیستم از نظر سیاسی نیز آن‌قدر دارای اهمیت بود که عثمانی‌ها بتوانند بر روی نمایندگی سیاسی خود در آن‌جا حساب ویژه‌ای باز کنند. در این زمان حاکم بوشهر را «حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس» می‌نامیدند که قلمرو او تا بلوچستان ایران ادامه می‌یافت.

«به طور سنتی، به‌ویژه از اوایل قرن بیستم، کارگزاری بوشهر با عنوان کارگزاری بنادر و جزایر خلیج فارس بر دو شعبه کارگزاری دیگر یعنی بندر عباس و بندر لنگه نظارت می‌کرد.»¹⁸

نمایندگی وزارت امور خارجه با عنوان «مؤسسه کارگزاری مهم خارجه» برای رسیدگی به امور بیگانگان، به‌ویژه امور حقوقی، تجاری و تنظیم روابط نظام اداری محلی با آنان، در شهرهای مختلف به وجود آمد، این مؤسسه به طور مستقل عمل می‌کرد و مسئول آن در ابتدا با عنوان «منشی مهم خارجه»¹⁹ و سپس با عنوان «کارگزار مهم خارجه»²⁰ با حکم وزیر امور خارجه برگزیده و به کار گماشته می‌شد. کارگزار مؤظف بود که مشروح فعالیت‌های مختلف سیاسی کنسول‌ها و رابطین آنها و دیگر رویدادهای مهمی را که به هر نحو با اتباع بیگانه مربوط می‌شد، به طور مرتب گزارش کند و در امور مختلف نیز دستورهای لازم را دریافت نماید.²¹

همین اهمیت فوق‌العاده سیاسی بوشهر بود که باعث شده بود تا انگلستان با وسواس هر چه تمامتر صفحات جنوبی ایران به‌خصوص بوشهر و خلیج فارس را تحت تسلط خود داشته باشد. این تسلط تا آن‌جا پیش رفته بود که انگلیسی‌ها در محاورات و مکاتبات خویش خلیج فارس را «دریای خودمان» یا «دریای انگلیس» می‌خواندند.²² ولی جالب توجه است که تدابیر انگلیس در اعمال سلطه‌گری، در نهایت به افزایش احساسات ضد انگلیسی مردم جنوب و به‌خصوص بوشهر منجر شد. این احساسات نیز به نوبه خود

باعث گردید که مردم این مناطق برای رهایی از سلطهٔ انگلیس چشم امید به یاری مخالفان این دولت استعماری داشته باشند و در این زمان اتحاد آلمان - عثمانی می‌توانست مایه امیدواری مردم باشد. جالب توجه است که هر چقدر زمان به پیش می‌رفت این احساسات آنقدر تقویت گردید که آیت‌الله بلادی بوشهری، از متنفذترین روحانیون بوشهری، طی نامه‌ای به ناصر دیوان، سردار مبارزه با استعمار انگلیس در کازرون، در تاریخ 20 ربیع‌الاول 1336 هـ. ق. نوشت:

«.. ملاحظه بفرمایید چه قدر دشوار و ناگوار است که دولت انگلیس در نصف ایران بدون هیچ حقّ مشروعی چنان حکم فرماست که با بی‌طرفی، دولت ایران نمی‌تواند مأمورین سیاسی و تجاری دولت آلمان و عثمانی و اطریش را در خاک خود اقامت دهد. گویا انگلیسیان با ما پسر عمو هستند و آلمانی‌ها اجنبی!»²³

در پایان همین نامه آمده است:

«.. همین که آتش توپخانه‌های سنگین اطریش‌ها، عثمانی‌ها از اروپای مرکزی فارغ شد و دامنه این آتش به شرق وسطی رسید، آن وقت معلوم می‌شود دولت انگلیس می‌تواند دنیا را اداره نماید و عراق عرب و جنوب ایران را برای خود نگاه دارد! خیلی نزدیک است. بر ثبات عزم خود راسخ باشید که نام نیک دنیا و آخرت را خداوند از برای جناب‌عالی و امثال جناب‌عالی خواسته است. ان شاء الله».²⁴

این اوضاع و احوال، امپراطوری عثمانی را ترغیب نمود که بیش از پیش با ادعای «اتحاد اسلام» حمایت مردم ایران را به سوی خود جلب کرده و از احساسات مذهبی و ملی مردم جنوب در جهت شورش علیه انگلیس استفاده کند.²⁵ گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس، سرکنسول انگلیس در بوشهر بیانگر این واقعیت است که حضور سیاسی عثمانی در تحولات بوشهر آنقدر بوده که در رویدادهای مشروطه این شهر و مقارن

تصرف بوشهر توسط نیروهای تحت امر سید مرتضی اهرمی علم‌الهدی و رئیس علی دلواری که منجر به برکناری حاکم بوشهر و رئیس گمرک شد، کنسول عثمانی در بندر بوشهر حضور فعال داشته است. در یکی از این گزارش‌ها آمده است:

«روز نهم آوریل 1901 م [1327ق] نمایندگان سیاسی روس، آلمان و عثمانی به بالیوزگری [کنسولگری انگلیس] مراجعه کردند تا در مورد اتخاذ تدابیر صریح و قاطع برای ایجاد امنیت با نمایندگی سیاسی [انگلیس] مشورت و او را در این خصوص تشویق نمایند.»²⁶

پیشگامی عثمانی در تأسیس نمایندگی سیاسی در بوشهر در پایان این مسأله نیز جای تأمل دارد که عثمانی‌ها سومین دولت معظمی بودند که پس از انگلیس و هلند در سال 1871 م / 1288 ق نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کردند. چنان که سدیدالسلطنه یکی از نویسندگان و رجال سیاسی عصر قاجار در این باره نوشته است:

«.. دولتین روس و انگلیس جنرال قونسولگری و دولتین هولند و آلمان قونسولگری و سویدن و کالت قونسولگری دارند. آقدم از همه انگلیسیها باشند و بعد هولند و عثمانی و مأمور سویدن بعد از همه و مأمورین روس در سنه 1319 ق ابتداء شده.»²⁷

این مطلب که دولت‌های بزرگ دیگر نظیر فرانسه، روسیه و آلمان پس از عثمانی نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کردند، گواه اهمیت فراوان این بندر از منظر امپراطوری عثمانی است. اهمیت بیش از پیش این مسأله زمانی آشکار می‌شود که بدانیم لوریمر، کنسول انگلیس در بوشهر در فاصله سالهای 1914 - 1913 م / 1333 - 1332 ق، به کرات در مجلدات تاریخی «گازینه» تصریح کرده است که نماینده هر یک از

دولت‌های فرانسه، آلمان، هلند و عثمانی نایب کنسول آنها و نماینده سیاسی دولت‌های آنها در بوشهر است.²⁸

به هر حال دفتر نمایندگی سیاسی عثمانی در بوشهر تا سال 1918 م/1336 ق به فعالیت خود ادامه داد. از حضور چهل و هفت ساله این نمایندگی مجموعاً شصت سند²⁹ مربوط به نمایندگی سیاسی آنها و هفتاد و یک نامه مربوط به کارگزاری اول بنادر مستقر در بوشهر باقی مانده است.

«دو سوم اسناد، مربوط به اتباع عثمانی در بوشهر است که شهرداری عثمانی در مکاتبات خود به کارگزاری و حاکم بوشهر خواستار مساعدت در حل مشکلات آنان است. بقیه اسناد مربوط به شروع کار شهرداری‌های جدید، ورود شهرداری به بوشهر، اهمیت شهیندر و دعوت شهیندری برای شرکت در جشن‌ها، اعیاد و تاجگذاری شاه ایران است.»³⁰

اینک برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز، به عنوان نمونه، تعدادی از مکاتبات شهیندری که حاوی اطلاعات سودمندی درباره دیدگاه‌ها و عملکردهای نمایندگی عثمانی در مسائل مختلف می‌باشد به همراه سالشمار مأموریت شهیندرها در پایان مقاله تقدیم می‌گردد.³¹ لازم به توضیح است که شماره سطرهای اسناد بازخوانی شده که در قلاب ([]) قرار گرفته به ترتیب سطرهای اصل اسناد می‌باشد.

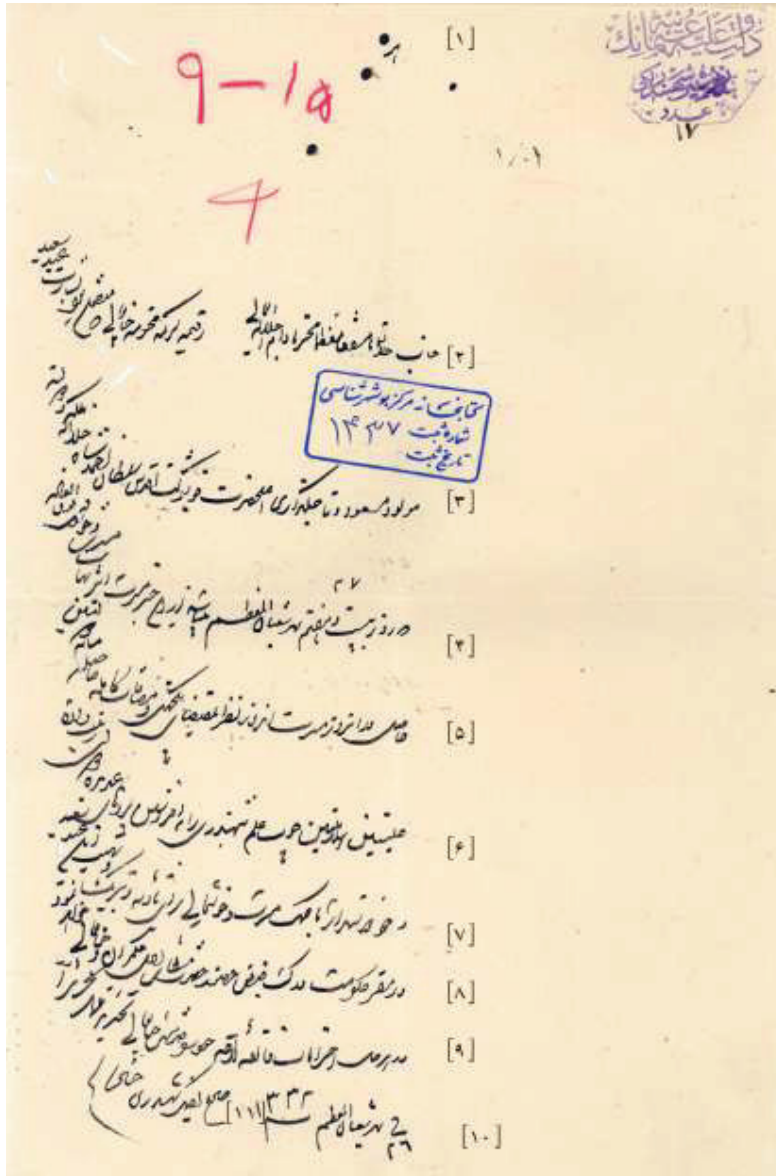
شایان ذکر است که عثمانی‌ها به دلیل مخالفت‌هایی که انگلیسی‌ها با حضور آنها در بندر بوشهر داشتند، پس از تصرف این بندر در رمضان 1333 ق شرایطی را بوجود آوردند که شهیندری اقدام به تعطیل موقت نماینده سیاسی خود در بوشهر نمود. اما پس از پایان جنگ جهانی اول مجدداً عثمانی‌ها در سال 1918 م/1336 ق آخرین نماینده سیاسی خود را با نام علی کمال‌بیگ به بوشهر اعزام کردند که به دلیل شکست عثمانی‌ها در این جنگ، از هم پاشیدگی امپراطوری عثمانی این نماینده در محل مأموریت خود حضور نیافت.³²

نتیجه‌گیری

اهمیت سیاسی - تجاری بندر بوشهر در نیمه دوم قرن نوزدهم و آستانه قرن بیستم میلادی باعث شد تا قدرت‌های بزرگ جهان همچون انگلیس، هلند، عثمانی، روسیه، فرانسه و آلمان و... در این شهر نمایندگی سیاسی داشته باشند.

از جمله این کشورهای بزرگ، امپراطوری عثمانی بود که نمایندگی سیاسی خود را با عنوان شهرداری از سال 1288 ق / 1871 م تأسیس کرد و این نمایندگی به مدت چهل و هفت سال یعنی تا سال 1336 ق/1918 م به فعالیت پرداخت. در طی این مدت سیزده نماینده سیاسی با عنوان «شهندر» انجام وظیفه کردند.

تأسیس نمایندگی سیاسی عثمانی در بوشهر از چند جهت برای امپراطوری مورد بحث حائز اهمیت بود. اول اینکه با توجه به رشد بورژوازی عثمانی، تجار این کشور توانستند از طریق آبراهه خلیج فارس در تجارت بین‌الملل و ترانزیت کالا به پس‌کرانه‌های ایران یعنی هند و شبه‌جزیره عربستان سهم بیشتری داشته باشند. دوم اینکه امپراطوری عثمانی از همین راه می‌توانست سلطه خویش را بر اماکن مقدس عربستان و عراق بیش از پیش اعمال کند. سوم، تجار عثمانی می‌توانستند از طریق بندر بوشهر که در این زمان دروازه تجارت ایران تلقی می‌گردید در شهرهای بزرگ ایران چون شیراز، اصفهان، کاشان، قم و تهران به تجارت پردازند. در نهایت اینکه عثمانی‌ها می‌توانستند از طریق نمایندگی سیاسی خویش در بوشهر احساسات ضد انگلیسی مردم جنوب ایران را در جهت شورش مردم علیه انگلیس تهییج نمایند و بدین ترتیب رقیب دیرینه خود را در این منطقه حساس تحت فشار قرار دهند.



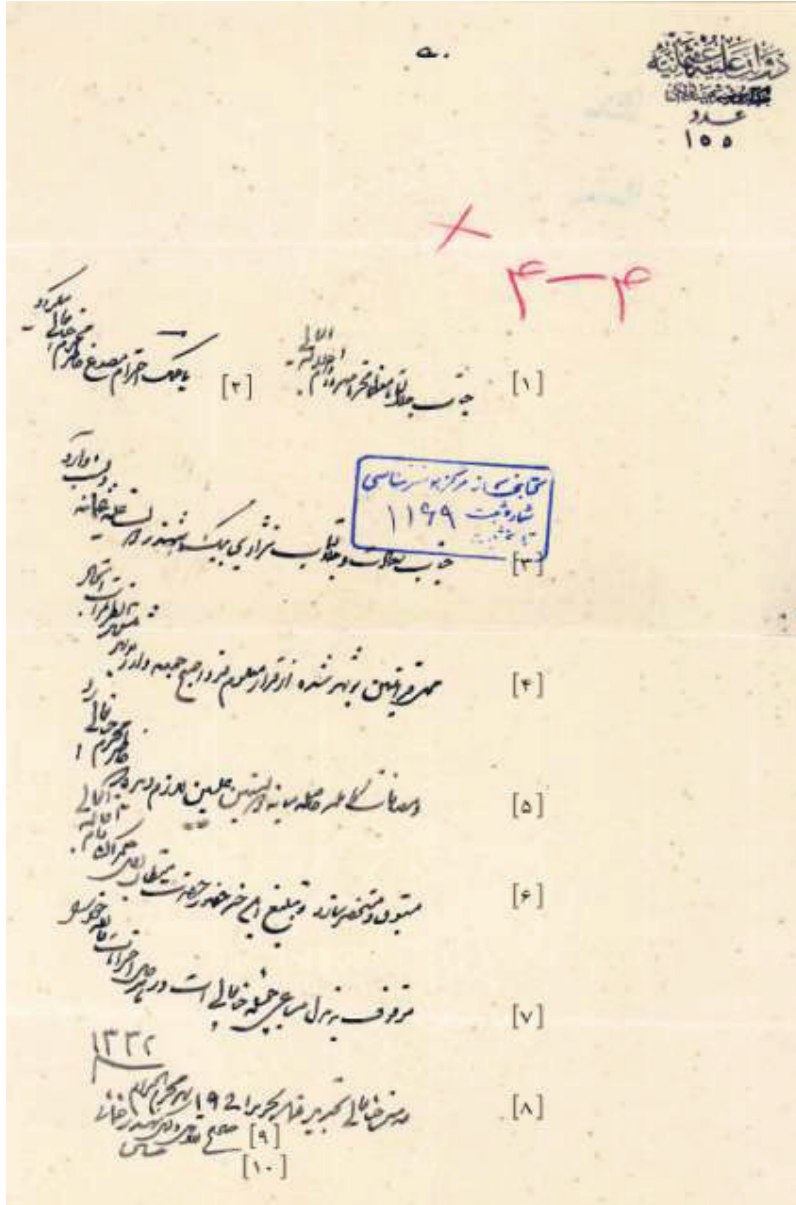
- [1] هو
- [2] جناب جلالتمابا مشفقاً محترماً دام اجلاله العالی
- [3] رقیمه کریمه محترمه جنابعالی که مفصل بود بشارت عید سعید
- [4] مولود مسعود تاجگذاری اعلیحضرت قویشوکت اقدس سلطان احمد شاه جلاله
[«کذا»] ملکه و دولته
- [5] که روز بیست و هفتم شهر شعبان المعظم میباشد از این خبر مسرت و خوشوقتی
فوق العاده
- [6] حاصل در انروز مسرت اندوز نظر بمقتضای [یک کلمه ناخوانا] و مضافات کامله
حاصله مساله دولتین
- [7] علیتین اسلامیتین چوب علم شهبندری را به افراشتن پروژه‌های عدیده دولت زینت
داده
- [8] و خود دوستدار که با کمال و خوشحالی برای تأدیه و تبریک و تهنیت این عید
سعید
- [9] در مقر حکومت درک قبض حضور حضرت مستطاب اجل حکمران و جنابعالی
خواهد نمود
- [10] در هر حال احترامات فائقه لایقه خود را خدمت جنابعالی تجدید نماید تحریراً
- [11] فی 26 شهر شعبان المعظم سنه 1332 [یک کلمه ناخوانا] کفیل شهبندری [احتمالاً
حسین]

مرجع: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، پوشه اسناد کنسولگری عثمانی است. مشخصات ظاهری: این سند در یک در صفحه تنظیم شده است. نوع کاغذ کاهی، شکل آن ساده، خط سند شکسته نستعلیق، رنگ مرکب سیاه و فاصله سطرهای اول و دوم 4 سانتیمتر، سطر دوم، سوم، چهارم و پنجم 3 سانتیمتر و این فاصله در سطرهای دیگر 2 سانتیمتر است. در قسمت بالا و سمت راست سند نشان نمایندگی عثمانی با عنوان «دولت علیّه عثمانیه نک» و در زیر آن عبارت «بندر بوشهر شهیندر لکی» به رنگ آبی با اعراب، به خط ثلث و در زیر آن «عدد (به رنگ آبی) 17 (به رنگ سیاه)» و در سمت راست بالای نامه شماره «15 - 9» و یک سطر پایین‌تر در سمت چپ شماره «1/01» نگارش یافته است.

موضوع: دریافت نامه در خصوص عید ولادت و تاجگذاری احمدشاه قاجار که مصادف با 27 شعبان است. شهینداری عثمانی در این روز بواسطه دوستی بین دو دولت ایران و عثمانی چوب پرچم شهینداری را به پرده‌های زیبا زینت داده و اینجانب برای ادای احترام تبریک در حکمرانی حاضر خواهم شد.

تهیه کننده و یا آمر سند: نماینده دولت عثمانی (شهیندر) است.

تاریخ نگارش و صدور سند: 26 شعبان 1332.



- [1] جناب جلالتمالا معظماً محترماً مهرباناً دام اجلاله العالی
- [2] با کمال احترام مصدع خاطر محترم جنابعالی میگردد
- [3] جناب سعادت و جلالتماب نژادی بیک شهیندر دولت علیه عثمانیه دیشب و آرد
- [4] محل [یک کلمه ناخوانا] بوشهر شده از قرار معلوم فردا صبح جمعه وارد بوشهر میشود نظر به اثرات اتحاد
- [5] و مصافات کامله حاصله میانه دولتین علیین لازم دیده که خاطر محترم جنابعالی را
- [6] مسبوق و مستحضر سازد و تبلیغ این خبر حضور حضرت مستطاب آقای حکمران دام اقباله العالی
- [7] موقوف به بذل مساعی جمیله جنابعالی است در هر حال احترامات فایقه خود را
- [8] خدمت جنابعالی تجدید مینماید تحریراً فی 19 شهر محرم الحرام سنه 1332
- [9] [دو کلمه ناخوانا] وکیل شهیندر عثمانی یک کلمه ناخوانا]
- [10] حسین

مرجع: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، پوشه اسناد کنسولگری عثمانی
مشخصات ظاهری: این سند در یک در صفحه تنظیم شده است. نوع کاغذ کاهی، شکل آن
ساده، خط سند شکسته نستعلیق، رنگ مرکب سیاه و فاصله سطرهای اول و دوم 4
سانتیمتر، سطر دوم و سوم 3/5 سانتیمتر و سطر سوم و چهارم 3 سانتیمتر، این فاصله در
سطرهای دیگر 2/5 سانتیمتر است. در قسمت بالا و سمت راست سند نشان نمایندگی
عثمانی با عنوان «دولت علیّه عثمانیه» و در زیر آن عبارت «بندر بوشهر شهیندر لکی» با
اعراب و به خط ثلث و در زیر آن عبارت، «عدد 155» نگارش یافته است. نشان این سند
بر خلاف سایر اسناد به رنگ مشکی است. در یک سطر پایین تر شماره «4-4» نگارش
یافته است.

موضوع: در خواست شده به حکمران بوشهر اطلاع داده شود که آقای نژادی بیگ شهیندر
دولت عثمانی فردا وارد می‌شود.

تهیه کننده و یا آمر سند: وکیل شهیندر عثمانی.

تاریخ نگارش و صدور سند: 19 محرم 1332.

- [1] هو
- [2] جناب جلالتمابا مشفقاً محترماً مهرباناً
- [3] با بوقر و احتراماً مصدع خاطر محترم عالی میگردد اسحاق نام یهودی تبعه دولت
علیه عثمانیه بموجب
- [4] تقریر نامه‌اش که در لف است میانه اصفهان و یزد اموال او را بسرقت برده‌اند برآی
احقاق حق خود ببوشهر آمده بشهبندرخانه شکایت کرده
- [5] لهذا از مساعی جمیله جنابعالی مأمول ان است بهر وسیله که ممکن است در ایصال
حقوق این بیچاره اقدام مؤثری بفرمایند در هر حال احترامات
- [6] فایقه خود را نسبت به جنابعالی تجدید مینماید تحریراً فی 3 شهر محرم الحرام سنه
1330
- [7] شهبندر
- [8] امضاء

توضیحات

مرجع: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، پوشه اسناد کنسولگری عثمانی

مشخصات ظاهری: این سند در یک در صفحه تنظیم شده است. نوع کاغذ کاهی، شکل آن ساده، خط سند شکسته نستعلیق، رنگ مرکب سیاه و فاصله سطر اول کمی بیشتر سایر سطرهاست به این ترتیب که این فاصله در سطر اول 2 سانتیمتر و سطرهای پایین تر 1 سانتیمتر است. در قسمت بالا و سمت راست سند نشان نمایندگی عثمانی با عنوان «دولت علیّه عثمانیه» و در زیر آن عبارت «بندر بوشهر شهیندر لکی» به رنگ آبی، با اعراب و به خط ثلث و در زیر آن عبارت، «عدد (به رنگ آبی) 148 (به رنگ سیاه)» نگارش یافته است.

موضوع: فردی به نام اسحاق (که دارای مذهب یهودی است) و از اتباع دولت عثمانی بین اصفهان و یزد، اموالش را به سرقت برده‌اند برای دریافت و وصول حقوق خود به بوشهر آمده و شکایت کرده است. خواهشمند است اقدام مؤثری در خصوص دریافت اموال از دست رفته وی صورت گیرد.

تهیه کننده و یا آمر سند: شهیندر عثمانی در بوشهر.

تاریخ نگارش و صدور سند: 3 محرم 1330.

کتابخانه
عبد
۱۶۲

[۱] حباب حاکم انصاری در بیان [۲] رجب و فضایل و لطیف معجزات

[۳] مینماید از آنکه دست قرآن را در میان دو پیر منیر و نورانی است که از آنجا که

کتابخانه
شماره ثبت
۶۴۵

[۴] با دو در راه اندر در پیر لوله در کارخانه شمشیر کار رخ سازند و در آنجا که

[۵] در آنجا که از صفت کارخانه و در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۶] که از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۷] در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۸] از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۹] در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۱۰] از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۱۱] در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۱۲] از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۱۳] در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

[۱۴] از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

کتابخانه
عبد
۱۶۲

- [1] هو
- [2] جناب جلالتمابا مشفقاً محترماً مهرباناً
- [3] بموجب عرضحالی که عبداللطیف تبعه دولت علیه عثمانیه
- [4] بهشندری نوشته و سند قرارنامه که به امضاء و مهر حاجی عبدالنبی تاجر کازرونی است لفاً فرستاده هم چه
- [5] با او قرار داده‌اند که ببوشهر آمده در کارخانه مشغول کار یخ سازی شود و در ضمن قرار داده‌اند
- [6] و شرط کرده‌اند صحت کارخانه و مناسب بودن محلی را پس از ورود عبداللطیف ببوشهر و مشغول شدن او
- [7] بکار ضمناً مکرر گرمی محل اتاقهای کارخانه را به آنها اطلاع داده اعتنا نکرده‌اند قبل از [احتمالاً اکمال]
- [8] مدت بودن جهته [«کذا»] صحیحی محل سکنتائی او را با اسبابی که در انجا دآرد منتقل کرده او را
- [9] اخراج کرده‌اند خلاصه در محلی که حکومت و شهرداری باشد چه قدرها اسباب بی‌اعتنایی است
- [10] که خودسرانه منزل تبعه خارجه مقفل نموده و اسبابش را [احتمالاً نخجیر] کرده اخراجش نمایند
- [11] بدیهی است اینگونه معاملات وحشیانه عین حقوق شکنانه است لهذا لازم دیده که
- [12] خاطر محترم جنابعالی را مسبوق ساخته صورت سند و عرضحال عبداللطیف را لفاً خدمت جنابعالی
- [13] فرستاده بهر وسیله که ممکن است امر به داده تمام مواجب ششماهه او را با اسباب شخصی مومی الیه

[14] با سایر حقوقی که دآرد بموجب سند باو داده هر گاه در امر نامناسبتی محلّ و تا
تمانی کارخانه شکی داشته باشند رجوع به انحقیر بصری نموده بحضور عبداللطیف معاینه
نمایند در هر حال احترامات

[15] فایقه خود را نسبت به جنابعالی تجدید مینماید تحریراً

[16] فی 17 شهر رجب المرجب سنه 1330

[17] شهیندر

[18] امضاء

توضیحات

مرجع: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، پوشه اسناد کنسولگری عثمانی

مشخصات ظاهری: این سند در یک در صفحه تنظیم شده است. نوع کاغذ کاهی، شکل آن ساده، خط سند شکسته نستعلیق، رنگ مرکب سیاه و فاصله سطرهای اول و دوم 4/5 سانتیمتر، سطر دوم و سوم 3 سانتیمتر و سطر سوم و چهارم 2 سانتیمتر و سطرهای دیگر 1/5 سانتیمتر است. در قسمت بالا و سمت راست سند نشان نمایندگی عثمانی با عنوان «دولت علیّه عثمانیه» و در زیر آن عبارت «بندر بوشهر شهیندر لکی» به رنگ آبی، با اعراب و به خط ثلث و در زیر آن عبارت، «عدد (به رنگ آبی) 162 (به رنگ سیاه)» نگارش یافته است.

موضوع: با توجه به نامه‌ای که عبداللطیف از اتباع دولت عثمانی به شهیندردی نوشته با توجه به سند قراردادی که بین او و حاج عبدالنبی تاجر کازرونی نوشته شده است، قرار بر این بوده که عبداللطیف در کارخانه یخ‌سازی مشغول به کار شده به این شرط که کارخانه سام و محل آن مناسب باشد. وی بعد از ورود به بوشهر به دفعات گرمای محل و اتاقهای کارخانه را گزارش داده ولی اعتنایی به وی نشده و محل سکونت وی را هم تغییر و او را اخراج کرده‌اند. ضمن ارسال سند قرار داد و محکومیت اینگونه حرکت‌های وحشیانه، دستور داده تمام حقوق شش ماهه به همراه وسایل شخصی و سایر حقوق وی به وی برگردانده شود.

تهیه کننده و یا آمر سند: شهیندر عثمانی در بوشهر.

تاریخ نگارش و صدور سند: 17 رجب 1330.

سالشمار مأموریت نمایندگان سیاسی و شهاندري‌های عثمانی در بندر بوشهر

سال	نام	سمت	عدد
1871 م / 1288 هـ.ق	احمد افندی Ahmed Efendy	شهاندري Sehbender	1
1885 م / 1303 هـ.ق	حسيب افندی Hasib Efendy	شهاندري Sehbender	2
1900 م / 1321 هـ.ق	حسين تحسين افندی Huscyn Tahsin Efendy	شهاندري افتخاری Sehbender Fahri Vakili	3
1903 م / 1321 هـ.ق	فتح‌الله افندی Efendy Fetullah	شهاندري افتخاری Sehbender Fahri Vakili	4
1904 م / 1322 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	5
1905 م / 1323 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	6
1906 م / 1324 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	7
1907 م / 1325 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	8
1908 م / 1326 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	9
1910 م / 1328 هـ.ق	نظمی بیگ Nezmi Bey	شهاندري Sehbender	10
1911 م / 1331 هـ.ق	آقا بیگ Agha Bey	شهاندري Sehbender	11
1912 م / 1331 هـ.ق	احمد نبیل بیگ Ahmed Nabil Bey	شهاندري Sehbender	12
1918 م / 1336 هـ.ق	احمد علی کمال بیگ Ahmed Ali Kamal Bey	شهاندري Sehbender	13



عکس شهرداری عثمانی در بوشهر
(آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر)



عکس شهرداری عثمانی در بوشهر (1380 خورشیدی)

(آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر)



کارکنان کنسولگری عثمانی در بوشهر
(آرشو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر)



رونق تجارت در بوشهر در عصر قاجار
(آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر)

پی‌نوشت‌ها

*- این مقاله بخشی از پایان‌نامه دکتری است که با راهنمایی آقای دکتر لقمان دهقان‌نیری انجام گرفته است.

1- کامرون، جرج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ص 100، ص 100.

2- برای اطلاع بیشتر ر، ک: یاحسینی، سید قاسم، سیراف شهر گفت و گوی تمدنها، بوشهر: انتشارات شروع، چاپ اول، ص 100، بخش دوم و سوم.

3- سدیدالسلطنه، محمدعلی (کبابی)، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، به کوشش احمد اقتداری، تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر، چاپ اول، ص 100، ص 100.

4- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ص 100، و برای اطلاع از متن کامل معاهده دوم ارزروم ر، ک: نظامی غلامحسین، نقش بصره و بنادر کرانه‌های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی، بوشهر: انتشارات بوشهر، چاپ اول، ص 100، ص 100.

5- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس، چاپ پنجم، ص 100، و همچنین ر، ک: محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: انتشارات سمت، ص 100، ص 100.

6- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: انتشارات خوشه، چاپ دوم، ص 100، ج اول، ص 100.

7- سیوری، راجرز.ام و جی.بی. کلی، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن میلادی، ترجمه حسن زنگنه، قم: موسسه فرهنگی همسایه با همکاری مرکز بوشهر شناسی، چاپ اول، ص 100، ص 100 و ص 100. همان، ص 100.

- ۱- جیل، کرسنال، نفت و سیاست در خلیج فارس، ترجمه ناهید سلامی و شاپور جورکش، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.
- ۲- سیاوش پوری، عباس، استراتژی غرب در خلیج فارس، تهران: انتشارات کمال علم، ۱۳۸۵، ص ۸۰.
- ۳- یاپ، ملکم و بریتون کوپر بوش، خلیج فارس در آستانه قرن بیستم، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر به‌دید، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.
- ۴- یاقی، اسماعیل احمد، دولت عثمانی، ترجمه رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.
- ۵- ر، ک: پالمر، رابرت روزولت، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد ۱، صص ۱۱۱ - ۱۱۱.
- ۶- کرزن، جرج. ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۱ و همچنین برای اطلاع بیشتر ر، ک: دشتی، رضا تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر، تهران: انتشارات پازینه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۷- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.
- ۸- لوریمر، ج.ج، راهنمای خلیج فارس و جغرافیای استان بوشهر، ترجمه سید محمدحسن نبوی، شیراز: انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱.
- ۹- رئیس‌نیا، رحیم، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز، انتشارات ستوده، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۱۰- نورایی، مرتضی، اسناد کارگزاری بوشهر، تهران: انتشارات مؤسسه تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱ (مقدمه).

- ۱۰۷-ر، ک: خورموجی، محمدجعفر، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.
- ۱۰۸-ر، ک: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، المآثر والآثار، به کوشش ایرج افشار سیستانی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.
- ۱۰۹-مرتضی نورایی، همان منبع، همان صفحه.
- ۱۱۰-ر، ک: لرد کرزن، همان منبع.
- ۱۱۱-مطهری زاده، موسی، ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد، تهران: نشر کازرونیه، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.
- ۱۱۲-همان منبع، صص ۱۳۱-۱۳۲.
- ۱۱۳-برای اطلاع بیشتر، ر، ک: بلادی بوشهری، سید عبدالله، لویج و سوانح، با مقدمه و توضیح سید قاسم یاحسینی، بوشهر: مرکز مطالعات بوشهرشناسی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱ به بعد و همچنین ر، ک: دشتی، احمد، جنبش جنوب ایران با تکیه بر مردم تنگستان و دموکراتهای فارس، بوشهر: انتشارات خلیج فارس، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۱۳۱-۱۳۲.
- ۱۱۴-کاکس، سرپرسی، گزارش های سالانه بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، تهران: انتشارات پروین، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.
- ۱۱۵-سیدالسلطنه، همان منبع، ص ۱۳۱.
- ۱۱۶-لوریمر، ج.ج، همان منبع، ص ۱۳۱.
- ۱۱۷-این اسناد توسط «صدات اونال» کاردار موقت ترکیه در تهران تحت اختیار آقای دکتر عبدالکریم مشایخی رئیس محترم بنیاد ایران شناسی بوشهر قرار گرفته و ایشان نیز اسناد مذکور را سخاوتمندانه تحت اختیار اینجانب قرار داده که همه آنها در حال حاضر بازخوانی شده و به زودی به ضمیمه پایان نامه دکتری یا به شکل کتابی مستقل منتشر خواهد شد.

مشایخی، عبدالکریم، خلیج فارس و بوشهر (روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا

در سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ ق / ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ م)،

تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر، چاپ اول،

ص. ۱۳۰.

مرجع: آرشیو بنیاد ایران‌شناسی - شعبه بوشهر.

مشایخی، همان منبع، ص ۱۳۰.